

«تفسیر به ترتیب نزول»

مبانی، فوائد، چالش‌ها، بایسته‌ها

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۱۵

مجید چهری؛ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین قم

چکیده

تفسیر تنزیلی یکی از روش‌های جدید تفسیری است که در چند دهه اخیر مورد توجه گروهی از مفسران قرآن کریم قرار گرفته است. رویکرد به تفسیر تنزیلی نوعی برگشت به روش تفسیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تعلیم و تفسیر طبیعی آیات همگام با نزول و مصحف حضرت علی علیه السلام دانسته شده و مفسران این روش معتقدند این روش به دلیل نوع نگاه ترتیب نزولی به قرآن، دستاوردهای جدید و مهمی را در بر داشته و گشوده شدن باب‌های جدید و کاربردی از دانش قرآنی مورد نیاز جامعه انسانی امروز را در پی خواهد داشت. گروهی از مفسران تنزیلی تاکید دارند که با تفسیر همگام با نزول می‌توان به یافته‌های مهمی در شناخت سیر تغییر و تحول مخاطبان، جامعه و چگونگی حل بحران‌های فرهنگی امروزی دست یافت، که این یافته‌ها می‌تواند ما را در دستیابی به الگویی کاربردی برای حل چالش‌های مدیریتی و فرهنگی امروز جامعه اسلامی، یاری رساند. چالش‌هایی جدی در مسیر اثبات این روش تفسیری و دستیابی به فوائد آن مد نظر مفسران تنزیلی وجود دارد. از آنجا که این روش تفسیری در برابر روش متداول تفسیر مصحفی با پیشینه بیش از چهارده قرن، قد علم کرده است، مورد مناقشه و تردید جدی بسیاری از دانش پژوهان قرآنی قرار گرفته است. در این پژوهش سعی شده است با چینش مبانی، معرفی و ارزیابی پیشینه، بررسی دلایل مخالفان و موافقان و فوائد و دستاوردهای احتمالی، به چالش‌های موجود، پیش‌رو و بایسته‌هایی که مفسران این روش باید به آن توجه داشته باشند، پرداخته شود.

کلید واژه‌ها: تفسیر، مصحف علی علیه السلام، ترتیب تنزیلی، تفسیر به ترتیب نزول، تفسیر تنزیلی.

تفسیر به ترتیب نزول یا همان تفسیر تنزیلی از لحاظ وجود تفاسیر روشمند و مدوّن، پیشینه‌ای مستحکم ندارد؛ اما بر اساس دلایل متقنی که موافقان اقامه نموده‌اند، پیشینه این روش تفسیری به عصر نزول قرآن و تعلیم و تفسیر تدریجی مفاهیم قرآن توسط پیامبر گرامی اسلام و در نهایت به تدوین و ارائه مصحف حضرت علی علیه السلام می‌رسد. اثبات این پیشینه که مستندات نیز در رد آن ارائه شده است، برای تفسیر تنزیلی نقشی حیاتی و بسیار مهم دارد؛ چرا که با اثبات آن، این روش تفسیری از لحاظ قدمت و مشروعیت روش تفسیر پیامبر صلی الله علیه و آله و اولین روش تفسیری در تاریخ تفسیر خواهد بود. بر این اساس تفسیر تنزیلی بر پیش فرض‌هایی همچون نزول تدریجی، عدم تدوین قرآن در زمان پیامبر، به ترتیب نزول بودن مصحف حضرت علی علیه السلام، عدم توقیفی بودن ترتیب فعلی و... استوار خواهد بود. دستیابی به مراد جدی خداوند همگام با نزول قرآن و کشف روش تحول همه جانبه جامعه عصر نبوی، بخشی از فوائد این سبک تفسیری معرفی شده است. تفسیر به ترتیب نزول قطعا با چالش‌هایی در مبانی مانند اثبات پیشینه و مشروعیت و در روش با چالش در دست نبودن ترتیب قطعی تمام سوره‌ها روبرو است. این پژوهش در صدد است با در کنار هم نهادن مبانی و فوائد تفسیر تنزیلی، به بایسته‌هایی برای مرتفع ساختن چالش‌های احتمالی این روش تفسیری دست یابد.

ب) طرح مساله

مهم‌ترین مساله‌ای که در مواجهه با این سبک تفسیری به ذهن مخاطب خطور می‌کند این است که تفسیر به ترتیب نزول بر اساس چه مبانی و فوائدی شکل گرفته و آیا پیشینه‌ای مستدل و قوی دارد که بتوان با اتکاء بر آن مشروعیت و روشمندی آن را به اثبات رساند؟ مهم‌ترین چالش‌های تفسیر تنزیلی از دیدگاه مخالفان و راهکارهای برون رفت از آنها از دیدگاه موافقان این روش کدامند؟ و آیا فوائدی که برای تفسیر تنزیلی برشمرده‌اند قابل دستیابی است؟

آیا چالش‌های موجود توان متزلزل ساختن مبانی و فوائد این روش تفسیری را دارند؟ آسیب‌هایی که این روش تفسیری می‌تواند متوجه مصونیت قرآن کریم و حوزه تفسیر نماید چیست و با چه بایسته‌هایی می‌توان از بروز آنها جلوگیری نمود؟

ج) مفهوم شناسی

ترتیب نزول: در کیفیت نزول قرآن کریم دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ نزول دفعی و تدریجی. نزول دفعی در صورت اثبات، قطعاً تنها ویژه شخص پیامبر بوده و ارائه و تعلیم قرآن کریم به مخاطبان توسط پیامبر نیز قطعاً به صورت تدریجی بوده است. با مراجعه‌ای کوتاه به منابع علوم قرآنی در می‌یابیم که نزول قرآن کریم در قالب سوره‌ها بوده و ترتیب نزول سوره‌ها ترتیبی غیر از ترتیب موجود قرآن بوده است.

تفسیر به ترتیب نزول یا تفسیر تنزیلی: تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم است، یعنی ترتیبی غیر از ترتیب موجود. ترتیب نزول سور همگام با نزول، مبنای اصلی سبک تفسیر به ترتیب نزول است. البته ممکن است که در ترتیب نزول قرآن همه سوره‌ها به صورت کامل و پشت سر هم نازل نشده و قسمتی از آیات یک سوره بعداً نازل شده باشند؛ اما همه مفسران تنزیلی قرآن را بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها و نه نزول آیات، تفسیر نموده‌اند.

بدیهی است که در نزول تدریجی ممکن است بخشی از آیات یک سوره با یک فاصله زمانی و پس از نزول یک یا چند سوره دیگر نازل شده باشد؛ اما همان گونه که بزرگان فن متذکر شده - اند ملاک در تعیین ترتیب واحدهای نزول، ابتدای سوره است و همین ترتیب در عملیات تفسیر تنزیلی مبنا قرار می‌گیرد. ظاهراً ترتیب نزول‌های نقل شده هم بر همین مبنا شکل گرفته‌اند.^۱ مفسران تنزیلی معتقدند رعایت ترتیب نزول در فهم معانی آیات و پی بردن به مقاصد و اهداف نزول هر آیه یا هر سوره، کاملاً مؤثر است. این نوع تفسیر، بر اساس این باور است که ترتیب کنونی سور و آیات، بر خلاف ترتیب نزول آنهاست و بدین سبب بسیاری از مفاهیم قرآنی،

همچنان در پرده ابهام باقی مانده است و اگر ترتیب نزول رعایت می‌شد، ممکن بود برخی از این نارسایی‌ها وجود نداشته باشد.^۲

د) تفاوت تفسیر تنزیلی با سایر روش‌ها

اساسی‌ترین تفاوت تفسیر تنزیلی با سایر تفاسیر در ترتیب سوره‌های قرآن کریم خواهد بود. ترتیب موجود قرآن کریم که در مورد آن دو دیدگاه مشهور وجود دارد، دیدگاه نخست آن را مربوط به دوران پیامبر و به دستور ایشان می‌داند که طبیعتاً قائلان به این دیدگاه معتقد به جمع قرآن در زمان پیامبر هستند.^۳ طبق دیدگاه دوم سوره‌ها به اجتهاد صحابه بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و ظاهراً با توجه به طول سوره‌ها و بدون در نظر گرفتن زمان نزول مرتب شده‌اند.^۴ البته برخی مفسران تنزیلی بر خلاف سبک تفسیری‌شان، معتقدند مصحف کنونی با همین ترتیب در زمان پیامبر وجود داشته است.^۵ به هر حال هر چند مفسران تنزیلی در ترتیب یا عدم ترتیب قرآن به شکل فعلی اتفاق نظر ندارند؛ اما متفاوت بودن چینش فعلی قرآن از چینش نزول، امری بدیهی و مهمترین مبنای تفسیر به ترتیب نزول است.

منابع تفسیر تنزیلی: مراد از منابع تفسیر را معلوماتی عقلی، نقلی یا تجربی که با آیات قرآن کریم مرتبط بوده و دلیل فهم مراد خداوند از آیات قرآن شمرده می‌شوند، دانسته‌اند.^۶ با این تعریف منابع تفسیر ترتیبی و تفسیر تنزیلی یکی بوده و هیچ تفاوتی با هم ندارند.

ابزار تفسیر تنزیلی: برخی محققان بین منابع و ابزار تفسیر تفاوتی قائل نشده‌اند؛^۷ اما مراد از ابزار تفسیر دانش‌ها و فنونی است که مفسر با استفاده از آنها از منابع تفسیر بهره برداری نموده و به عملیات تفسیر دست می‌زند. مفسران تنزیلی معتقدند تفسیر تنزیلی با اینکه گرایش نو به تفسیر است؛ اما در این سبک منابع و ابزار تفسیری با تفسیر متداول مصحفی هیچ تفاوتی نمی‌کند، بلکه در این روش مفسر تنها با تغییر چینش آیات موضوع مورد مطالعه، تلاش خواهد کرد تا به دریافتی روشن‌تر از آیات دست یابد و پاسخ‌های قابل دریافتی که تنها در این سبک به دست می‌آیند را از قرآن استخراج کند؛^۸ اما می‌توان جداول ترتیب نزول را یکی از مهم‌ترین

ابزار تفسیر تنزیلی دانست که در تفسیر ترتیبی یا مد نظر نیست و یا از اهمیّت بالایی برخوردار نیست.

۲. مبانی و اصول

الف) روش تعلیم و تفسیر پیامبر

قرآن کریم با صرف نظر از نوع نزول دفعی یا تدریجی آن بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به صورت تدریجی با نظمی خاص و هماهنگ با روند شکل گیری و تعالی جامعه اسلامی نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز واحدهای نزول را بر مردم قرائت نموده و تبیین و تفسیر می نمودند. با مراجعه ای ابتدائی به تاریخ نزول در می یابیم تفسیر و تبیین پیامبر همگام با نزول بوده است. به همین جهت مفسران تنزیلی، تفسیر به ترتیب نزول را همان روش تفسیر و تعلیم آیات توسط پیامبر دانسته اند.^۹

ب) مصحف حضرت علی علیه السلام

با مراجعه ای گذرا به تاریخ صدر اسلام، منابع علوم قرآنی و روایات ائمه علیهم السلام با مصحف حضرت علی علیه السلام به عنوان نخستین نگاشته قرآنی بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله آشنا می شویم. بدیهی است منابعی که به وجود این مصحف و ویژگی های آن اشاره کرده اند به اندازه ای زیاد و مستند هستند که جای هیچ شک و شبهه ای در صحّت وجود آن باقی نمی گذارند. با استناد به روایات مرتبط، از بارزترین ویژگی های این مصحف به ترتیب نزول بودن و اشمال آن بر توضیحات تفسیری است، مصحف حضرت علی علیه السلام با این ویژگی ها مبنای اصلی جواز و ارجحیت تفسیر تنزیلی را تشکیل داده و جایگاه ویژه ای در مباحث مربوط به این روش تفسیری دارد. به همین جهت در ادله موافقان و مخالفان روش تفسیر تنزیلی، بررسی استناد به آن معرکه تقابل آراء اندیشمندان به شمار می رود. سخن در مورد مصحف حضرت علی علیه السلام بیش از آن است که در این پژوهش به آن پرداخته شود، چرا که خود در حد کتاب یا مقالاتی مستقل و مفصل است.

برخی گزارش‌های روایی و تاریخی از مصحف حضرت امیر علیه السلام عبارتند از:

۱. سالم بن ابی سلمه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: ... أخرجه علی [علیه السلام] الی الناس حیث فرغ منه و کتبه فقال لهم هذا کتاب اللّٰه کما انزل الله علی محمد [صلی الله علیه و آله] و قد جمعته بین اللوحین...^{۱۰}

علی علیه السلام مصحف خود را پس از اتمام کتابت به مردم ارائه کرده و فرمود این کتاب خداوند است همانگونه که بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده و آن را به صورت کامل جمع آوری کرده‌ام.

۲. در روایات ابو رافع آمده است: ان النبی [صلی الله علیه و آله] قال فی مرضه الذی توفی فیہ لعلی بن أبی طالب [علیه السلام] یا علی! هذا کتاب اللّٰه خذه الیک فجمعه علی [علیه السلام] فی ثوب فمضى الی منزله فلما قبض النبی [صلی الله علیه و آله] جلس علی علیه السلام فألفه کما انزل الله و کان به عالما.^{۱۱}

پیامبر در مرضی ایام وفاتشان به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: یا علی این کتاب خداست آن را بگیر، علی آن را در عبائی پیچید و به خانه برد و هنگامی که پیامبر وفات کرد علی آن نوشته‌های قرآنی را همانگونه که نازل شده بود جمع آوری کرد در حالی که به تمام آن عالم بود.

۳. محمد بن سیرین درباره جمع قرآن از سوی امام علی علیه السلام نقل مفصلی به این شرح آورده است: نَبَّتُ أَنْ ابابکر لقی علیا [رضی الله عنه] فقال: أکرهت امارتی؟ قال: لا و لکن آلیت علی یمین أن لا أرتدی ردای الّا الی الصلاة حتی أجمع القرآن. قال: فکتبه علی تنزیله فلو أصبت ذلک الکتاب کان فیہ علم کثیر. فسألته عکرمة فلم یعرفه. قال: فقلت لعکرمة: ألفوه کما أنزل؟ الأول فالأول؟ قال: لو اجتمعت الانس و الجن علی أن یؤلفوه هذا التالیف ما استطاعوا.^{۱۲}

مرا خیر دادند که ابوبکر علی را ملاقات نمود و به او گفت آیا خلافت مرا ناپسند می‌شماری؟ علی پاسخ داد نه اما سوگند یاد کرده‌ام که عبايم را جز برای نماز بر دوشم نیندازم تا اینکه قرآن را جمع آوری نمایم. علی آن را مطابق با نزول نوشت و اگر بر آن دست می‌یافتم علم

بسیاری در آن بود. سراغ آن را از عکرمه گرفتم، او هم از آن خبری نداشت. به عکرمه گفتم آن را همانگونه که نازل شده و به ترتیب نزول جمع آوری کرده‌اند؟ گفت اگر جن و انس گرد هم آیند تا مانند آن را بنویسند، نمی‌توانند.

همان طور که گفته شد در مورد مصحف امام علی علیه السلام گفته‌های بسیاری وجود دارد که به همین مقدار اکتفا می‌شود، مسائلی مانند ترتیب سوره‌ها، اضافات تفسیری، اصل به ترتیب نزول بودن، سرانجام مصحف و.... مسائلی است که در جای خود نیاز به بررسی و تحقیق بیشتر دارد و از عهده این پژوهش خارج است.

پ) نزول تدریجی

از دیگر مبانی و اصولی که تفسیر تنزیلی بر آن تکیه کرده است نزول تدریجی قرآن کریم است. چرا که تفسیر تنزیلی با توجه به روش و هدف و فوایدی که دنبال می‌کند تنها با اثبات و طی مسیر نزول تدریجی می‌تواند به مقصد برسد. بدیهی است که قرآن کریم طی ۲۳ سال و در قالب واحدهای متفاوت نزول بر پیامبر اکرم نازل شده است. نزول تدریجی قرآن کریم به هیچ وجه قابل خدشه نیست و اگر اشکال و سوالی در کلام مفسران و دانشمندان وجود دارد، درباره اثبات و کیفیت نزول دفعی است.

ج) جداول نزول

مساله مهم دیگری که برای آشنائی هر چه بهتر با تفسیر به ترتیب نزول، لازم است به آن توجه شود جداول‌های ترتیب نزول است. با توجه به اینکه قطعا نزول قرآن کریم ترتیبی غیر از این ترتیب موجود مصحفی داشته، مسیر دستیابی و دست یافتن به آن ترتیب، بخشی از دانش قرآنی را تشکیل داده و می‌تواند مجموعه‌ای از ابهامات ایجاد شده در فهم معانی قرآن کریم را برطرف سازد. با مراجعه‌ای کوتاه به منابع علوم قرآنی جهت دستیابی به ترتیب نزول سوره، با جداول ترتیب نزولی مواجه می‌شویم که عمدتاً از صحابی بزرگواری و شخصیت طراز اول حوزه علوم قرآنی و تفسیر، یعنی ابن عباس نقل شده‌اند. همانگونه که نقل شده است این جداول

نزول موجود مورد اعتماد بزرگان علم است.^{۱۳} زرکشی از دانشمندان بزرگ علوم قرآنی نیز به تفصیل به بحث ترتیب نزول سور پرداخته و به بیان خود ترتیب متقنی را از ترتیب نزول ارائه داده و درباره ترتیب سور مکی آن چنین می‌گوید "فهذا ترتیب ما نزل من القرآن بمکة، و علیه استقرت الروایة من الثقات".^{۱۴} در مورد جداول موجود علاوه بر ترتیب نزول نقل شده از ابن عباس، می‌توان به جدول یعقوبی، جدول ابن ندیم، جدول طبرسی، جدول زرکشی، جدول سیوطی و جدول جابر بن زید اشاره کرد.^{۱۵}

د) علامه طباطبائی و جداول نزول

یکی از مهم‌ترین مبانی تفسیر تنزیلی جداول نزول است. این جداول از جهاتی مانند سندیت و میزان اعتبار روایی، مطابقت یا عدم تطابق با واقع و وجود اختلاف در ارائه ترتیب سوره‌ها، مورد سوال و اشکال قرار گرفته است. مفسر بزرگوار معاصر علامه طباطبائی بر همین اساس نقدهایی بسیار جدی بر جداول نزول وارد دانسته‌اند. ایشان پس از نقل چند روایت متفاوت در ترتیب نزول سوره‌ها، آنها را غیر قابل اعتماد دانسته و فاقد ارزش از جهت روایت دینی و نقل تاریخی می‌دانند. ایشان معتقدند این روایات به پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌رسند و روشن هم نیست که ابن عباس ترتیب نزول را از پیامبر گرفته یا از دیگرانی که معلوم نیست چه کسانی بوده‌اند و یا اینکه آنها را از طریق اجتهاد به دست آورده است که در این صورت تنها برای خودش حجیت دارد، پس ارزش روایت دینی ندارند.

از جهت داشتن ارزش نقل تاریخی نیز ابن عباس جز زمان ناچیزی از زمان حیات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، صحبت آن حضرت را درک نکرده و بدیهی است که در نزول این همه سوره‌های قرآنی حاضر و شاهد نبوده و اگر ترتیب نام برده را از طریق اجتهاد نیز بدست نیاورده باشد از دیگران شنیده و در نتیجه به عنوان خبری بدون ذکر مدرک به حساب آمده و چنین نقل تاریخی بی ارزش است. گذشته از اینها این روایات با فرض صحت و استقامت خبر

واحد هستند و چنانکه در علم اصول به ثبوت رسیده چنین خبری در غیر احکام شرعیه خالی از اعتبار است.

ایشان در نهایت چنین نتیجه می‌گیرند که تنها راه برای تشخیص ترتیب سوره‌های قرآنی و مکی یا مدنی بودن آنها تدبر در مضامین آنها و تطبیق آن با اوضاع و احوال پیش از هجرت و پس از هجرت است.^{۱۶}

انتقاداتی بر دیدگاه علامه

از آنجا که اکثر روایات ترتیب نزول سوره‌ها به ابن عباس بر می‌گردد، عمده دلایل عدم پذیرش این روایات از دیدگاه علامه نیز متوجه شخصیت و عملکرد ابن عباس است. در مورد شخصیت ابن عباس و سایر دلایل علامه، می‌توان انتقاداتی را بر دیدگاه ایشان وارد دانست. الف) ابن عباس به عنوان یکی از ناقلان اصلی ترتیب نزول سوره، جدای از اینکه شخصیتی برجسته در حوزه علوم قرآن و تفسیر است؛ بلکه خود مقداری هر چند اندک از فضای نزول را درک کرده است، چرا که وی در زمان وفات پیامبر سیزده سال داشته و اگر از هشت سالگی هم جریانات نزول را به خاطر سپرده باشد و بنا بر اینکه در سه سال آغاز بعثت جز آیات ابتدایی سوره علق چیزی از قرآن نازل نشده است، پس ابن عباس حداقل یک چهارم عصر نزول را درک کرده است.

ب) دیگر آنکه وی به عنوان کارشناس قرآنی، این مسائل را بازگو کرده و تاکید می‌نماید که هر چه از تفسیر می‌دانم از علی بن ابیطالب است^{۱۷} و در اینکه وی برجسته‌ترین شاگرد علی علیه السلام است هیچ شکی نیست. البته نمی‌توان این نکته را توجیهی بر صحّت تمام آنچه که ابن عباس نقل کرده است دانست.

ج) دلیل دیگر آنکه همانگونه که خود علامه می‌فرماید یکی از روش‌های به دست آوردن ترتیب نزول تطبیق مضامین سوره با اوضاع و احوال پیش از هجرت و پس از هجرت است، می‌توان با مراجعه‌ای کوتاه به مضامین و تاریخمندی سوره مانند ویژگی‌ها و شرایط دعوت

پیامبر و جامعه اسلامی، جنگ‌های صدر اسلام و اسباب النزول، به ترتیبی از نزول سور دست یافت که در اکثر موارد مطابق باجداول ترتیب نزول امثال ابن عباس است.

۳. تفاسیر تنزیلی

تفسیر تنزیلی به عنوان یک روش جدید تفسیری، که البته در نگاه طرفداران آن پیشینه‌اش به دوران پیامبر و حضرت علی علیه السلام بر می‌گردد، در نیم قرن گذشته پا به عرصه حضور گذاشته است. در پیشینه شناسی این روش دو نوع منابع قابل توجه است، نخست تفاسیری که بر مبنای این روش نگاشته شده است، تفاسیر موجود بر مبنای این روش شش تفسیر است که ذیلاً می‌آید. در زمینه تفسیر تنزیلی تک نگاشته‌هایی هم به نگارش در آمده است که اشاره‌ای کوتاه به آنها هم خواهد آمد.

الف) تفاسیر

۱. بیان المعانی از ملا حویش آل غازی

سید عبد القادر ملا حویش آل غازی از مردم سوریّه و دانشمندان آن دیار که در نسب، منتسب به سلسله ذریّه طاهره امام موسی بن جعفر علیه السلام است. او در سال ۱۳۵۵ تفسیری بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها نوشت.^{۱۸} وی معتقد است که امام علی کرم الله وجهه مصحفی که بر حسب نزول، ترتیب یافته بود نوشت؛ نه به این معنی که ترتیب فعلی را توقیفی نمی‌دانستند، بلکه ایشان می‌خواستند عموم مردم تاریخ، مکان و زمان نزول، کیفیت نزول، اسباب نزول، ناسخ و منسوخ و... را به خوبی بفهمند. ملا حویش معتقد است ترتیب آیات و سور امری اجتهادی نیست، بلکه کاملاً توقیفی است و نمی‌توان در آن اجتهاد کرد، چرا که قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گردآوری و تدوین یافته است. او تأکید می‌کند که ترتیب آیات و سوره‌ها به خواست و اراده الهی و با راهنمایی جبرئیل بوده و به فرمان رسول خدا به همین صورتی که اکنون در مصاحف مشاهده می‌کنیم مرتب و مدوّن شده است. وی معتقد است سبک

تفسیر به ترتیب نزول می‌تواند به عنوان روشی که خواننده می‌تواند همگام با آن به فهمی ساده و روان از قرآن دست یابد، بکار گرفته شود.^{۱۹}

۲. التفسیر الحدیث

در سال ۱۳۸۰ هجری قمری، محمد عزت دروزه (م ۱۴۰۴ق) تفسیری از قرآن با عنوان «التفسیر الحدیث؛ ترتیب السور حسب النزول» عرضه کرد. وی یکی از فلسطینیان متفکر و مبارز معاصر است که سالهای دراز با استعمارگران درگیر بوده و سالها در زندان به سر برده است. تفسیر وی محصول یکی از همین زندانهاست. او پس از آزاد شدن، به ترکیه رفت و تفسیرش را تنظیم و فراهم ساخت و به چاپ رساند.^{۲۰}

دروزه نیز معتقد به توفیقی بودن ترتیب مصحف شریف است و ترتیب موجود را ترتیبی می‌داند که در زمان حضرت رسول صورت گرفته است.^{۲۱} او بر خلاف ملاحظی، حتی منکر ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول است. وی در این باره می‌گوید: گزارشی که می‌گوید امام علی علیه السلام مصحفش را بر خلاف مصحف موجود سامان داده بود در محل تردید جدی قرار دارد؛ چرا که در این باره حتی یک روایت صحیح وجود ندارد که کسی این مصحف را دیده باشد. حتی از ابن سیرین نقل شده که او هر کجا در پی این مصحف رفت آن را نیافت.^{۲۲} دروزه حتی دغدغه این را داشته است که ممکن است کسانی این سبک از تفسیر را غیر شرعی بدانند. از این رو از دو مفتی در سوریه و حلب استفتاء کرده و آنها این سبک از تفسیر را بدون مانع دانسته‌اند.^{۲۳}

دروزه می‌افزاید حوزه تفسیر غیر از حوزه تلاوت است. از آنجا که هیچ کس بر مبنای نظم موجود در تفاسیر قرآن را تلاوت نمی‌کند، مانعی ندارد که نظم آیات و سوری که تفسیر می‌شود، بر خلاف نظم موجود در مصحف باشد که نظم برای تلاوت است.^{۲۴}

۳. پا به پای وحی از بازرگان

مهندس مهدی بازرگان (م ۱۳۷۳ ش) از دایره ترتیب نزول سور، پا فراتر نهاده، به حیثه ترتیب نزول آیات و گروه‌بندی آنها قدم گذاشته است. او تفسیری تحلیلی و تاریخی به نام «پا به پای وحی»، بر اساس سیر نزول قرآن نگاشته است. وی افزون بر اسناد تاریخی، با گروه بندی‌های آماری و سبک شناسی به روش ریاضی و تهیه جدولهایی از آیات قرآن؛ چنانکه نظریه مربوط به آن را در کتاب دیگرش «سیر تحول قرآن» تبیین کرده،^{۲۵} این ترتیب را رعایت نموده است.

این تفسیر، محصول بحث‌های تفسیری وی در انجمن اسلامی مهندسان، در دهه ۱۳۶۰ است. روش او در بیان مطالب بدین گونه است که پس از آوردن جدولی از گروهی از آیات، توضیحی مختصر، در دو بخش جداگانه می‌آورد: بخش تدبیر و بخش تفسیر. آنچه تاکنون از این تفسیر منتشر شده است قسمت نخست آن و مربوط به سال اول نزول وحی است.^{۲۶} وی معتقد است قرآن در زمان‌های مختلفی که نازل شده مثل این است که در واقع خدا کاخی از دانش‌های مختلف و معنویت بر پا کرده است و شما هستید و آن کاخ که انسان‌ها از این کاخ دانش و معنویت با همه تسهیلات آن استفاده می‌کنند. ممکن است شما از درب آن وارد می‌شوید ولی شاید ندانید که این درب، آخرین جزء تکمیل شده این بنا باشد. ولی گاهی می‌خواهید به دانشجوی معماری یاد بدهید که این کاخ با عظمت چگونه ساخته شد. لذا شما از اول فیلم ساخته شدن این کاخ را می‌گیرید و به دانشجو نشان می‌دهید تا برسید به اینکه کاخ به پایان می‌رسد. هر دوی اینها - تفسیر ترتیبی و مصحفی - فوایدی دارد و هیچ یک نفی دیگری نمی‌کند. شما برای آشنا شدن به پی‌ریزی اسلام، گسترش و جذب قلوب از راه دوم وارد می‌شوید؛ ولی این صحّت کار مفسران سنتی را نفی نمی‌کند، وی معتقد است که نباید برای تفسیر آیات قرآن، از قرآن جلو بیفتیم. به این معنا که در تفسیر آیات قبل به آیتی که بعدا نازل شده‌اند نباید مراجعه کرد.^{۲۷}

برخی محققان معاصر معتقدند تمام دسته بندیها و نمودارهای مهندس بازرگان در سیر تحول و نزول قرآن، بر پایه‌ای سست نهاده شده و از دایره حدس و گمان فراتر نرفته است؛ عمده آنکه

نویسنده، مبنای کار خود را بر جدولی نهاده است که اساساً فاقد اعتبار است و تنها نموداری مجهول الهویّه است که در دوران قاجار در پایان ضمیمه کشف المطالب قرآن به چاپ رسیده و معلوم نیست تنظیم کننده آن کیست و از کجا به دست آمده است و این جدول را تخیلی دانسته‌اند که مبنایی جز تخیل محض نمی‌تواند داشته باشد و آقای مهندس بازرگان از باب «الغریق یتشبّث بکلّ حشیش» به آن روی آورده است.^{۲۸} به زعم نویسنده سیر تحول نزول قرآن، با سیر تحول و رشد پیغمبر در توان تبلیغ و استعداد آن حضرت در تلقی پیام و رساندن آن متناسب است. یعنی با افزایش سن پیامبر و پیشرفت امر رسالت طول آیات نازل شده بر پیامبر بلندتر می‌شده است.^{۲۹}

۴. معارج التفكير و دقائق التدبر

حبنکه میدانی از مفسران معاصر است که در ابتدا کتابی با عنوان "قواعد التدبر الامثل" را نوشته است و در آن به مجموعه‌ای از قواعد تفسیر قرآن می‌پردازد و به مکی و مدنی بودن سوره‌ها و لزوم تقدم سوره‌های مکی بر مدنی در تفسیر به عنوان یکی از قواعد صحیح تفسیر قرآن اشاره کرده است.^{۳۰} وی پس از نگارش این کتاب دست به تفسیر معارج التفكير زده و آن را به عنوان تفسیری به ترتیب نزول بر مبنای قواعد یاد شده در کتاب قواعد التدبر الامثل می‌نگارد.^{۳۱}

در اطلاعاتی که از تفسیر وی به دست آمد، وی سوره‌های مکی را در پانزده جلد به صورت کاملاً تفصیلی تفسیر کرده است. ظاهراً میدانی به تفسیر سوره‌های مدنی دست نزده است. او بر خلاف ملا حویس و دروزه ترتیب موجود را اجتهادی و مخصوص زمان عثمان می‌داند و ترتیب نزول‌های موجود را در اکثر موارد صحیح دانسته و آنها را هماهنگ با سیر تکاملی و تربیتی جامعه عصر نزول معرفی کرده است.

حبنکه میدانی معتقد است در تدبر تنزیلی‌ای که در قرآن کریم داشته است یافته‌های بسیار گران قدری را به دست آورده است. یافته‌های وی به سیر ساختار و شکل‌گیری مفاهیم دینی و سیر

تربیت الهی پیامبر و مومنان مربوط می‌شود.^{۳۲} وی در کتابش قواعد التدبیر الامثل جدولی از ترتیب نزول سوره‌ها را ارائه نموده که در تفسیرش در چند مورد خلاف آن ترتیب را عمل کرده است.^{۳۳}

۵. فهم القرآن الحکیم التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول

تفسیر وی در سه جلد در سال ۲۰۰۸ در بیروت به چاپ رسیده است. وی در جلد ۱ و ۲ به تفسیر سوره‌های مکی و در جلد سوم به تفسیر سوره‌های مدنی می‌پردازد.^{۳۴} جابری در مقدمه تفسیرش می‌گوید این دیدگاه شاطبی در *المواقفات* که تاکید دارد برای فهم قرآن باید ترتیب مکی و مدنی بودن سوره‌ها رعایت شود، خیلی در من تاثیر گذاشته و بارها این دیدگاه شاطبی را مرور کرده‌ام.^{۳۵}

شاید بتوان با توجه به سخن جابری مهمترین عامل انگیزش او به نوشتن تفسیر تنزیلی را همین گفته شاطبی دانست. تفسیر وی تا حدودی حالت مختصر نگاری دارد و تقریباً می‌توان آن را یک دوره تاریخ نگاری از دوران رسالت پیامبر دانست.

۶. همگام با وحی

عبدالکریم بهجت پور از دیگر اندیشمندان پرکار معاصر در عرصه تفسیر تنزیلی است. وی تفسیر تنزیلی خود را با عنوان "همگام با وحی" ارائه داده که تا کنون سه جلد از آن را نگاشته و در حال نگارش بخشهای بعدی آن است. در حقیقت می‌توان وی را بعد از مهندس بازرگان، پیشگام تفسیر تنزیلی در ایران دانست. او با نگاه جدیدی که در قالب تفسیر تنزیلی به قرآن دارد به دنبال کشف الگو و هندسه تربیتی قرآن کریم به ترتیب نزول سوره‌ها و نوع اثر گذاری بر مخاطبان نخستین است. وی در مقدمه مفصلی که بر تفسیر خود نگاشته است به خوبی به تبیین زوایای تفسیر تنزیلی پرداخته که می‌توان مقدمه ایشان را اثری کامل و مستقل در تبیین نظریه تفسیر تنزیلی دانست.^{۳۶}

بهجت پور معتقد است امروزه ضرورت دارد تا به کشف هندسه‌های تربیتی و آموزشی بپردازیم و تلاش نماییم تا متد و روش‌های منظم تغییر دینی در چارچوب‌های مستخرج از منبع وحی به دست آید. به نظر می‌رسد تفسیر تنزیلی تنها گزینه پیش‌روی مفسران در پاسخ به این ضرورت است.^{۳۷} وی ترتیب نزول سور در تفسیرش را بر مبنای جدول ترتیب نزول ابن عباس و بنا بر آنچه آیت الله معرفت در جلد اول *التمهید* در ترتیب نزول سوره‌ها می‌آورند قرار داده است.^{۳۸}

ب) تک نگاشته‌ها

برخی از پژوهشگران مسلمان، سیره پیامبر و نیز تاریخ اسلام را بر اساس آیات قرآن و ترتیب نزول آنها گرد آوری کرده‌اند که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

۱. کتاب «سیره الرسول صلی الله علیه و سلم صور مقتبسه من القرآن الکریم» از محمد عزه دروزه.

۲. جلال الدین فارسی: در مجموعه‌ای سه جلدی با عناوین پیامبری و انقلاب، پیامبری و جهاد، پیامبری و حکومت، وی این سه جلد کتاب را براساس ترتیب نزولی که شهرستانی در تفسیرش "مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار" از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند نوشته است، او معتقد است سیاق آیات و دلالت تاریخی آنها گواه بر صحت ترتیب نزول مذکور است و اسناد و روایات تاریخی و بسیاری از شان و اسباب نزول‌ها و احادیث بر صحت ترتیب نزول آیات و وقایع به همان گونه که در روایت امام صادق علیه السلام و ابن عباس آمده است گواهی می‌دهند.^{۳۹}

۳. ابن قرناس در کتاب "احسن القصص تاریخ الاسلام کما ورد من المصدر مع ترتیب السور حسب النزول".

۴. مجله پژوهش‌های قرآنی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی) که شماره ۶۲ و ۶۳ تابستان و پائیز ۱۳۸۹ ویژه تفسیر بر اساس ترتیب نزول است.

۵. سید رضا نیازمند در "شرحی بر قرآن به ترتیب نزول آیات"، وی این شرح تفسیری را در دو جلد به تفکیک سوره‌های مکی و مدنی آورده است، ظاهراً مولف تصریح نکرده که ترتیب نزول مورد نظرش را از کجا گرفته و تنها یک سری منابع کلی برای این کار معرفی می‌کند. معلوم نیست قصد اصلی مولف از این کار چیست؛ اما هر چه هست کار وی کاری بسیار ضعیف و بیرون از چهار چوبهای منطقی ارائه شده برای تفسیر تنزیلی است.

۴. ادله مخالفان و موافقان تفسیر تنزیلی

الف) ادله مخالفان

طبیعی است که هر نظریه و روش نو یا احیای یک باب معرفتی فراموش شده در هر حوزه‌ای، ابتدا با مخالفت‌هایی رو به رو خواهد بود و اگر این باب معرفتی مخالف با رویه مشهور متخصصان آن فن باشد، مخالفت‌ها با آن بیشتر خواهد بود. سبک تفسیر قرآن کریم از صدر اسلام تا کنون یعنی از زمانی که بعد از وفات پیامبر قرآن کریم با چینی‌هایی که توسط صحابه ارائه شد بر مبنای همان چینی‌ها شکل گرفته و به پیش رفته است و بر مبنای چینی‌ها مصحفی تفاسیر متعددی توسط علما و مفسران مسلمان و گرایش‌های متنوع ارائه شده است. تفسیر تنزیلی در دوره معاصر با ویژگی‌هایی مانند داشتن نگرشی جدید به تفسیر قرآن، احیای سبک تفسیر پیامبر صلی الله علیه و آله به اقتضای عصر جدید، توان ارائه ابواب جدید معرفتی در مسائل فرهنگی و جامعه‌شناختی و دسترسی به یک الگو و مدل تربیتی برای رفع چالش‌های موجود معرفتی و فرهنگی یا به عرصه وجود گذاشته است.

این سبک تفسیری مورد مخالفت جدی تعدادی از قرآن‌شناسان قرار گرفته است. قرآن پژوه معاصر حضرت آیت الله معرفت در بررسی تفاسیر تنزیلی بیان المعانی، تفسیر الحدیث و برخی آثار مرتبط دیگر (بازرگان، سیر تحول قرآن) این نوع تفسیر قرآن کریم را خالی از هرگونه فائده دانسته‌اند.^{۴۰} از آنجا که سبک تفسیر تنزیلی در سال‌های اخیر توسط مولف همگام با وحی احیا شده است، اکثر مخالفان دلایل خود را در عدم جواز این سبک تفسیری در جلساتی با ایشان به بحث و بررسی گذاشته‌اند. مهم‌ترین منابعی که می‌توان به عنوان محرکه تقابل آراء

موافقان و مخالفان تفسیر تنزیلی معرفی نمود شماره ۶۲ و ۶۳ مجله پژوهش‌های قرآنی و برخی مناظره‌های مولف همگام با وحی با برخی مخالفان تفسیر تنزیلی است. از این رو ذیلاً خلاصه‌ای از عمده دلایل مخالفان در منابع فوق گزارش می‌شود.

مخالفت اکثر قرآن پژوهان با این روش تفسیری و عدم تجویز آن، از این روست که آنها با جواز دست بردن در قرآن کریم که از بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله تا کنون مسیر پر پیچ و خمی را به سلامت گذرانده است، مخالفند. مخالفان معتقدند در قالب تفسیر ترتیبی نیز می‌توان فواید مورد نظر مفسران تنزیلی را به دست آورد. به عبارت دیگر اهمیت فواید یاد شده به گونه ای نیست که تنها روش دستیابی به آنها تفسیر قرآن به سبک تنزیلی باشد.

سایر ادله مخالفان عبارتند از:

- عدم ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام بر حسب نزول به عنوان مجوز تفسیر تنزیلی؛
- نبود جدول ترتیب نزول یقینی با وجود هشت جدول ترتیب نزول متفاوت؛
- این دغدغه وجود دارد که تفسیر به ترتیب نزول وهن قرآن باشد. اگر لحاظ ترتیب نزول در تفسیر مهم است، می‌تواند در تفسیر رایج هم لحاظ شود؛ بدون این که ترتیب سوره‌ها به هم بخورد.

- یکی دیگر از آسیب‌های این نظریه اختلاف میان مسلمانان است؛ اگر چنین روشی را طی کرده و یک تفسیر به ترتیب نزول ارائه دادیم و نوشتیم ممکن است گرفتار چنین مفسده‌ای شویم. پس آیا شأن و اسباب نزول‌ها کفایت نمی‌کنند که این نیاز را تأمین کنند؟ اگر این نیاز تأمین شود، پس ضرورتی برای ترتیب نزول نخواهد بود.^{۴۱}

ب) ادله موافقان و فواید

با توجه به مباحثی که در خصوص معرفی، شناخت مبانی و پیشینه تفسیر به ترتیب نزول از نظر گذشت، خواننده محترم تا حدّ زیادی با ادله مفسران و موافقان تفسیر تنزیلی آشنا می‌شود. مهم‌ترین منبعی که به تشریح مبانی و فواید تفسیر تنزیلی پرداخته است مقدمه مولف محترم

همگام با وحی است. خلاصه و جمع بندی دلایل موافقان تفسیر تنزیلی با استناد به این منبع را می‌توان در موارد ذیل جست.

- تفسیر تنزیلی همان روش تفسیر پیامبر صلی الله علیه و آله و هم‌هانگ با سیره تعلیمی ایشان است.

- این روش همان روش تفسیر حضرت علی علیه السلام است.

- این روش همگامی با سیر نزول آیات و سور قرآن بوده و با کمک آن موارد زیادی از مباحث معرفتی و دستوری مانند ناسخ و منسوخ و سیر تشریح احکام شناخته می‌شود.

- با استفاده از این سبک، احتمالات تفسیری کاهش می‌یابد و معنای دقیق و روشن آیات آشکار می‌شود و بسیاری از ابهامات از میان می‌رود، که این امر یکی از رسالت‌های بزرگ مفسر است.

- کشف روش‌های تحول دینی، مراحل فرهنگ شدن مفاهیم دینی و هندسه تحول دینی مخاطبان.

- فهم رابطه چالش‌ها با پیام‌های دین.

- آشنایی با روند تثبیت قلب پیامبر.

- تقویت نگاه تربیتی و آموزشی به مقوله تفسیر و دستیابی به کاربردهای این روش در تفسیر و فهم بهتر آیات.^{۴۲}

ج) ارزیابی تفاسیر تنزیلی موجود

۱. تفسیر الحدیث و بیان المعانی در واقع دستاورد مهمی ندارند و چنین به نظر می‌رسد که این دو تفسیر همان تفسیر مصحفی و ترتیبی متداول بوده که تنها مکان سوره‌ها را به ترتیب نزول مرتب نموده‌اند. همانگونه که برخی محققان معتقدند در این دو تفسیر (که در جهت هدایت و بررسی مسائل اجتماعی حاضر در پرتو تعالیم قرآنی نوشته شده‌اند) چیز تازه‌ای که دستاورد این شیوه (روش ترتیب نزول) باشد به چشم نمی‌خورد و همان گونه که شیخ محمد عبده در «تفسیر المنار» و مراغی و قاسمی در تفسیرهایشان، با دیدی اجتماعی و بر اساس

نیازهای روز به تفسیر پرداخته‌اند، در این دو تفسیر نیز با همان نظر؛ ولی بدون هیچ تفاوتی در برداشت (و تنها بر حسب تفاوت در روش) عمل شده و مزیتی در آنها دیده نمی‌شود و در نهایت با ارزیابی این دو تفسیر، روش تنزیلی را تکلفی بی حاصل دانسته‌اند.^{۴۳}

۲. **پابه پای وحی بازرگان:** با یک ارزیابی منصفانه می‌توان گفت تلاش آقای بازرگان در ارائه روش و رویکردی جدید به قرآن، نگرشی نو به حساب می‌آید؛ اما این تلاش در ارائه ترتیب نزول و روش دستیابی به آن، هیچ توجیهی نداشته و تماماً ذوقی است که با چالش‌های جدی و عدم مشروعیت رو برو است.

۳. **مقایسه تفسیر پا به پای وحی با همگام با وحی:** می‌توان گفت که کشف سیر تحول قرآن از نگاه آقایان بهجت پور و بازرگان تفاوت جدی و ریشه‌ای دارد. هر چند بازرگان **پابه پای وحی** را با عنوان تفسیر تدبری قرآن می‌نگارد؛ اما عمده تاکید و تلاش وی در این تفسیر کشف ترتیب نزول با روشی است که مد نظر دارد. در واقع نگارنده در پی کشف چگونگی تحول و شکل‌گیری قرآن کریم و طولانی شدن آیات با تداوم رسالت پیامبر است و نه تحول فرد و اجتماع و دین و فرهنگ.^{۴۴} بازرگان تاکید می‌کند هدف رسالت منحصر در خداشناسی و سامان دهی به آخرت است. وی سیطره نفوذ، تاثیر گذاری و توان ایفای نقش قرآن را در امور جامعه و سیاست نمی‌پذیرد و به سکولاریسم و جدائی دین از سیاست معتقد است و با این رویکرد به قرآن نمی‌تواند به الگوی تحول آفرینی فردی و اجتماعی قرآن دست یابد.^{۴۵}

اما هدف و عملکرد تفسیری بهجت پور بر مبنای روش تفسیر تنزیلی، که به تشریح دقیق ابعاد و مبانی آن پرداخته است، کشف تمام مبانی تحول آفرینی فردی - اجتماعی و دینی - فرهنگی قرآن در جامعه است. یعنی کشف روش تحول آفرینی قرآن کریم برای دستیابی به راه کاری برای رفع چالش‌های فرهنگی و تربیتی امروز بشریت.^{۴۶}

۴. **دیدگاه آیت الله معرفت در مورد پابه پای وحی:** ایشان در مورد تفسیر آقای بازرگان می‌فرمایند: البته ما نمی‌خواهیم که از ارزش کار مهندس بازرگان بکاهیم. نوع کار با ارزش است و شناخت موقعیت و شرایط نزول هر آیه، کمک مؤثری در فهم محتوای آیه و پی بردن به

اهداف و مقاصد عالیه آن است؛ ولی این چیزی است که با رجوع به اسباب النزول (که از طریق صحیح و معتبر رسیده باشد) به دست می‌آید و راه رسیدن به آن، از قرائن و شواهد تاریخی و حدیثی - برای پویندگان کوشا - باز است و برای دستیابی به آن، به این گونه تکلفات و ترسیم منحنی‌های فرضی نیاز نیست. قرآن گفتاری است رسا و هر آیه آن حامل پیامی است که همواره برای شایستگان قابل دریافت بوده و هست: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۸) و به این گونه تشکیلات پیچیده و معقد نیازی نداشته و ندارد؛ «ره چنان رو که رهروان رفتند». ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ. فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ (قیامه: ۱۷ و ۱۸).^{۴۷}

۵. تفسیرهای همگام با وحی و معراج التفکر را می‌توان از جهتی در یک راستا دانست؛ چون حبنکه هم تاکید دارد که با تفسیر تنزیلی می‌توان به کشف مراحل تربیتی جامعه عصر نزول پی برد.

۶. نکته دیگری که با بررسی تفاسیر تنزیلی موجود به دست می‌آید، جداول ترتیب نزول ارائه شده در این تفاسیر است. به جز جدول نزول مهندس بازرگان، که یک جدول نزول ذوقی و بر اساس کوتاهی و بلندی آیات و با توجه به طول موج هر سوره که با در نظر گرفتن تعداد آیات و کلمات هر سوره معرفی می‌کند،^{۴۸} سایر تفاسیر، جدول ترتیب نزول خود را بر اساس روایت‌های موجود در ترتیب نزول سوره‌ها که معمولاً در مقدمه تفسیر به آنها پرداخته‌اند، تنظیم کرده‌اند که تفاوت چندانی با هم ندارند.

۷. روش و عملکرد مولف همگام با وحی را نیز می‌توان از جهاتی منحصر به فرد دانست. تلاش وافر مولف در تبیین مشروعیت، مبانی و تثبیت نظریه تفسیر تنزیلی و همچنین تلاش برای کشف الگو و هندسه‌های تربیتی که کارایی چاره‌اندیشی برای چالش‌های جامعه امروزی بشریت را داشته باشند، از مواردی است که در سایر تفاسیر تنزیلی بدین صورت وجود ندارد.

۵. چالش‌ها، بایسته‌ها

الف) چالش‌ها و آسیب‌ها

تفسیر تنزیلی با ابعاد و مشخصاتی که از نظر گذشت و آینده ای که می‌توان برای آن تصور کرد، قطعا با چالش‌هایی رو به رو بوده و پیامدهای منفی در پی داشته و خواهد داشت که می‌توان آنها را در موارد ذیل خلاصه کرد:

- چالش جدی‌ای که تفسیر تنزیلی با آن رو برو است وجود ترتیب‌های گونه‌گون برای نزول سوره‌ها است. چرا که علاوه بر جدول‌های موجود، بسیاری از مفسران چه در تفسیر تنزیلی و چه در تفسیر ترتیبی دست به اجتهاد در ترتیب سوره‌ها زده و با تکیه بر معیارهای تعریف شده برای مکی و مدنی بودن سوره‌ها و به مقتضای رویکرد کلامی، فقهی و تفسیری خود، ترتیب تقریبا متفاوتی از نزول سوره‌ها ارائه داده‌اند. نمونه بارز آن تاثیر نگرش‌های مذهبی و کلامی در تعیین سوره‌های مکی و مدنی مانند سوره انسان است. از آنجا که تفسیر تنزیلی با تکیه بر ترتیب نزول پا بر جاست، می‌توان مهم‌ترین چالش این سبک تفسیری را وجود ترتیب نزول‌های متفاوت دانست.

- اگر هدف در تفسیر تنزیلی کشف روش تحول باشد این مشکل عمیق‌تر است و مفسران با نگاه‌های متفاوت به ترتیب نزول می‌توانند مدل‌های متفاوتی از روش تحول قرآن ارائه نمایند که طبیعتا این روش‌ها همدیگر را نقض خواهند نمود.

- عدم اتفاق مفسران تنزیلی بر ارائه مجموعه مبانی و قواعد تفسیری واحد، یکی دیگر از چالش‌های این سبک تفسیری است. مانند اختلاف در اجتهادی یا توقیفی بودن ترتیب موجود سوره‌های قرآن کریم یا چینش یا عدم چینش مصحف حضرت علی علیه السلام هماهنگ با نزول.^{۴۹}

- جدول ترتیب نزول و روش دستیابی به آن از دیدگاه آقای بازرگان که ترتیبی ذوقی، جدید و بدون در نظر گرفتن روایات ترتیب نزول است را می‌توان یکی از آسیب‌ها و پیامدهای منفی این سبک تفسیری دانست.

ب) بایسته‌ها و نگاهی به آینده

مبنا قرار دادن سبک تفسیر تنزیلی قطعا دستاوردهای سودمندی در بر داشته و در عین حال با چالش‌های جدی رو برو است. به گونه‌ای که اگر مفسران و طرفداران این سبک به دقت به تبیین زوایا، مبانی، اصول و روش شناسی آن نپردازند، این روش تفسیری با ناهمواری‌های متعددی رو به رو خواهد شد که می‌تواند به ضعف کارایی و عدم مشروعیت آن بینجامد.

تلاش مشکور شخصیت والای حوزه علوم قرآنی حضرت علامه معرفت در جلد اول/التمهید در ارائه و تثبیت جدول ترتیب نزول و دفاع از آن، عدم پذیرش حتی یک روایت یا دیدگاه بر خلاف آن، پاسخ به تمام اشکالات و شبهات موجود پیرامون این ترتیب، ارائه یک جدول نزول بر پایه محکم‌ترین گزارش‌های موجود و دفاع همه جانبه از مکی و مدنی بودن سوره‌ها در این جدول و نمایاندن یک ساختار ترتیب نزول متقن مبتنی بر ادله عقلی و نقلی، اقدامی بی بدیل و تحسین بر انگیز در استوار ساختن مبانی تفسیر تنزیلی است.^{۵۰}

همانطور که گفته شد میزان اختلاف‌های موجود در ترتیب‌های ارائه شده در حدی نیست که به اصل روش تفسیر تنزیلی ضربه بزند؛ اما باید تلاش‌های جدی برای تعیین یک ترتیب متقن جهت تقویت یکی از اصلی‌ترین پایه‌های تفسیر تنزیلی صورت پذیرد.

در نهایت می‌توان گفت تفسیر تنزیلی به عنوان روش جدید تفسیری، یکی از عرصه‌های وسیع نظریه پردازی قرآنی به شمار می‌رود، در این روش تفسیری با رعایت مبانی و قواعد ویژه آن و در نظر گرفتن چهار چوب‌های روایی و تاریخی و پرهیز از مقدم داشتن سلايق شخصی بر پایبند بودن به مبانی تفسیری و مستندات روایی و تاریخی، می‌توان به مجموعه‌ای از دانش‌های قرآنی در قالبی جدید دست یافت که در جهت پیشبرد اهداف نزول قرآن و محقق شدن جامعه اسلامی ساختار یافته بر اساس قرآن کریم باشد.

ج) نتیجه گیری

تفسیر تنزیلی یا تفسیر به ترتیب نزول سبک جدید تفسیری است که ریشه در نزول تدریجی قرآن، روش تعلیم مفاهیم قرآنی و تفسیر آیات توسط پیامبر و مصحف حضرت علی علیه

السلام دارد. جداول ترتیب نزول به عنوان یکی از مهم‌ترین مبانی تفسیر تنزیلی با هم دیگر اختلاف چندانی نداشته و مفسران تنزیلی می‌توانند با تلاش‌های جدی‌تر به برطرف ساختن اختلافات موجود در جداول ترتیب نزول دست یابند. ظاهراً اکثر ادله مخالفان ناشی از جدید بودن این سبک تفسیری و عملکرد ضعیف یا بعضاً ناصحیح برخی مفسران تنزیلی است؛ چرا که تفسیرهای تنزیلی موجود در یک حد نبوده و برخی از آنها هیچ گونه دستاورد خاصی ندارد؛ برخی نیز در جهت تضعیف مبانی، روش و فوائد تفسیر تنزیلی گام برداشته‌اند. در صورت تثبیت مبانی و رفع چالش‌ها و آسیب‌های به وجود آمده، این سبک تفسیری می‌تواند در کنار روش تفسیر متداول مصحفی با حمایت قرآن پژوهان به پیش رفته و دستاوردهای جدید و مفیدی به حوزه تفسیر قرآن کریم و جامعه بشری تقدیم نماید.

پی نوشت‌ها:

۱. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۴.
۲. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، ج ۲، ص ۵۱۹-۵۲۰.
۳. خوئی، ابوالقاسم، البیان فی علوم القرآن، ص ۲۳۵-۲۵۸.
۴. همان؛ معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، ص ۸۴-۱۳۰.
۵. آل غازی، ملا حویش، بیان المعانی، ج ۱، ص ۳؛ عزت دروزه، محمد، التفسیر الحدیث، ج ۱، مقدمه، ص ۹ و ۱۰.
۶. عزیزی کیا، غلامعلی، دائره المعارف قرآن کریم، ج ۸، ص ۵۲.
۷. رضائی اصفهانی، محمد علی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۷۴.
۸. بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی، ج ۱، مقدمه، ص ۴۵-۴۸.
۹. بهجت پور، عبدالکریم، رویکردی نو در تفسیر بر اساس نزول، ص ۲۶ و ۲۷.
۱۰. کلینی، محمد، الکافی، ج ۴، ص: ۶۷۱.
۱۱. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۱؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۵۱-۵۲.
۱۲. سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۹.

۱۳. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۴.
۱۴. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۹۳.
۱۵. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۴.
۱۶. طباطبائی، محمد حسین، قرآن در اسلام، ص ۱۷۷ تا ۱۸۷.
۱۷. قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۳۵.
۱۸. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، ج ۲، ص ۵۲۱.
۱۹. آل غازی، ملا حویش، همان، ج ۱، ص ۳ تا ۴.
۲۰. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، ج ۲، ص: ۵۲۱.
۲۱. عزت دروزه، محمد، التفسیر الحدیث، ج ۱، ص ۱۲.
۲۲. همان، ج ۱، ص ۹۸.
۲۳. همان، ج ۱، ص ۱۰ و ۱۱.
۲۴. همان، ج ۱، ص ۹.
۲۵. بازرگان، مهدی، سیر تحول قرآن.
۲۶. همو، پایه پای وحی.
۲۷. بازرگان، مهدی، پایه پای وحی، ج ۱ ص ۹-۱۰.
۲۸. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، ج ۲ ص ۵۲۲ و ۵۲۳.
۲۹. بازرگان، مهدی، سیر تحول قرآن، ص ۱۶-۱۹.
۳۰. حینکه الميدانی، حسن، قواعد التدبیر الامثل، ص ۱۵۱-۱۸۴.
۳۱. همو، معارج التفکر و دقائق التدبیر، ج ۱، مقدمه، ص ۵.
۳۲. همان، ج ۱، مقدمه، ص ۶.
۳۳. همو، قواعد التدبیر الامثل، ص ۱۷۸-۱۸۴.
۳۴. الجابری، محمد عابد، فهم القرآن الحکیم التفسیر الواضح حسب الترتیب النزول، ج ۱ تا ۳.
۳۵. همان، ج ۱، ص ۱۲.
۳۶. بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی، ج ۱، مقدمه.
۳۷. همان، ص ۵۹-۷۲.
۳۸. همان، ص ۹۵-۱۲۹.
۳۹. فارسی، جلال الدین، پیامبری و انقلاب، ج ۱، ص ۱۹ تا ۱۵.

۴۰. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، ج ۲، ص ۵۲۰ و ۵۲۱.
۴۱. مجله پژوهشهای قرآنی، شماره ۶۲ و ۶۳؛ بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی، ج ۱، مقدمه؛ سایت‌های اینترنتی همگام با وحی، مداهمتان و فهیم.
۴۲. بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی، ج ۱، مقدمه؛ برای آشنائی بیشتر با دلایل موافقان و فوائد تفسیر تنزیلی رک: مجله پژوهشهای قرآنی، شماره ۶۲ و ۶۳.
۴۳. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، ج ۲، ص: ۵۲۱.
۴۴. بازرگان، مهدی، سیر تحول قرآن.
۴۵. بازرگان، مهدی، آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء، ص ۹۱-۱۰۲.
۴۶. بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی، ج ۱، مقدمه، ص ۵۹.
۴۷. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، ج ۲، ص ۵۲۵.
۴۸. بازرگان، مهدی، سیر تحول قرآن.
۴۹. دیدگاه محمد عزت دروزه در تفسیر الحدیث.
۵۰. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۱۲۹-۲۴۱.

منابع:

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، نشر علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ ق.
۲. ابن قرناس، احسن القصص تاریخ الاسلام كما ورد من المصدر مع ترتیب السور حسب النزول، بیروت، منشورات الجمل، الطبعة الاولى، ۲۰۱۰ م.
۳. آل غازی العانی، عبدالقادر ملا حویش، بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول، بی جا، مطبعه الترقی، ۱۳۸۲ ق.
۴. بازرگان، مهدی، آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۵. _____ پا به پای وحی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

۶. _____ سیر تحول قرآن، به اهتمام سید مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۵۸ش.

۷. بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی، قم، موسسه التمهید، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.

۸. پژوهش‌های قرآنی، فصلنامه، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، شماره ۶۲ و ۶۳، تابستان و پائیز ۱۳۸۹.

۹. الجابری، محمد عابد، فهم القرآن الحکیم التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول، بیروت، مرکز الدراسات الوحده العربیه، الطبعة الاولى، ۲۰۰۸ م.

۱۰. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی - تا.

۱۱. دروزة، محمد عزت (۱۴۰۴ ق)، التفسیر الحدیث، قاهره، دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۸۳ ق.

۱۲. دروزة، محمد عزت (۱۴۰۴ ق)، سیره الرسول صلی الله علیه و سلم صور مقتبسه من القرآن الکریم، بیروت، المکتبه العصریه، بی تا.

۱۳. رضائی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.

۱۴. زرکشی، محمد بن عبد الله (۷۹۴ ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۱۵. سیوطی، جلال الدین (۹۱۱ ق)، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ دوم، ۲۰۰۱ / ۱۴۲۱.

۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۰ ق)، قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳ ق.

۱۷. عزیزی کیا، غلامعلی، منابع و ابزارهای مورد استفاده و استناد مفسر در فرآیند تفسیر قرآن، دائره المعارف قرآن کریم، ج ۸، قم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

۱۸. فارسی، جلال الدین، پیامبری و انقلاب، تهران، موسسه انجام کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.

۱۹. قرطبی، محمد بن احمد (۶۷۱ ق)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۳۲۹ ق)، الکافی، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق .
۲۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم ۱۴۰۳ ق.
۲۲. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۶ ش)، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۲۳. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۶ ش)، تاریخ قرآن، تهران، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ ش.
۲۴. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۶ ش)، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. الميدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه، قواعد التدبر الامثل، دمشق، دار القلم، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. الميدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه، معارج التفكير و دقائق التدبر، دمشق، دار القلم، دمشق، الطبعة الاولى، ۱۴۲۰ ق.
۲۷. نیازمند، سید رضا، شرحی بر قرآن به ترتیب نزول آیات، اصفهان، بنی هاشم، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.

سایت های اینترنتی

۱. سایت موسسه فهیم <http://fahimco.com>
۲. سایت همگام با وحی www.hbv.ir
۳. وبلاگ مدهامتان <http://nekoanam.parsiblog.com>